

حسن روحانی هفته گذشته در پنجاهونهمین مجمع عمومی بانک مرکزی گفت: «اگر اقتصاددانی بلد است تمام روابط خارجی خراب باشد اما اقتصاد مملکت هیچ دست نخورد به ما هم بگوید.» وی در حالی از سیاست شکست خورده نگاه به غرب و ثمره آن یعنی برجام دفاع کرد که این روزها کمتر شاخص اقتصادی را می توان یافت که وضع خوبی داشته باشد. از همین رو «وطن امروز» با نشان دادن روند برخی از مهم ترین شاخص های اقتصادی، نتیجه سیاست نگاه به غرب در دولت روحانی را به تصویر کشیده است



## ادعای «موفقیت دولت در اقتصاد و روابط خارجی» چقدر به واقعیت نزدیک است؟ «وطن امروز» عملکرد دولت در حوزه تجارت با دنیا را بررسی کرد

# نابلدیسم اقتصادی

**گروه اقتصادی:** حسن روحانی هفته گذشته در پنجاهونهمین مجمع عمومی بانک مرکزی گفت: «اگر اقتصاددانی بلد است تمام روابط خارجی خراب باشد اما اقتصاد مملکت هیچ دست نخورد به ما هم بگوید.» این ادبیات اعتدالی تفکری است که رئیس جمهور ۶ سال در زیر لوای آن فعالیت کرده است؛ تفکری که تمام ظرفیت های

خود را وابسته به خارج می داند و هیچ اتکالی به توان داخلی ندارد. دولت تدبیر و امید با همین تفکر ۲ سال اقتصاد کشور را درگیر امضا شدن یا نشدن برجام کرد و ۳ سال دیگر هم در گیر و دار پیدا کردن راه های انتقال مالی جایگزین برجام بود. البته حسن روحانی هیچگاه اینچنین شجاعانه طرز فکر خود و اعضای دولت را فریاد نمی زد.

می کند؟ وی در حالی از سیاست شکست خورده نگاه به غرب و ثمره آن یعنی برجام دفاع کرد که این روزها کمتر شاخص اقتصادی را می توان یافت که وضع خوبی داشته باشد. از همین رو «وطن امروز» با نشان دادن روند برخی از مهم ترین شاخص های اقتصادی، نتیجه سیاست نگاه به غرب در دولت روحانی را به تصویر کشیده است.

### سرمایه گذاری خارجی و تور بسم در اغما

جذب سرمایه خارجی از جمله مواردی بود که حسن روحانی و اعضای کابینه وی وعده های بسیاری برای تحقق آن پس از برجام دادند. آمارها نشان می دهد میزان جذب سرمایه خارجی در دولت تدبیر (۱) هیچگاه به عدد دوران تحریم قبلی در دولت دهم نرسیده است.

دولت تدبیر در حالی در تمام این سال ها مشغول وعده دادن بود که تقریباً هیچ اقدام اساسی برای جذب سرمایه خارجی نکرد. در همین راستا رتبه سال ۲۰۱۹ ایران در شاخص سهولت کسب و کار، ۱۲۷ جهان در میان ۱۹۰ کشور بود. نکته جالب آنکه بدترین شاخص ایران در این ارزیابی، مربوط به موضوع «شروع کسب و کار» است که در این شاخص، ایران در رتبه ۱۷۸ جهان در میان ۱۹۰ کشور قرار دارد.

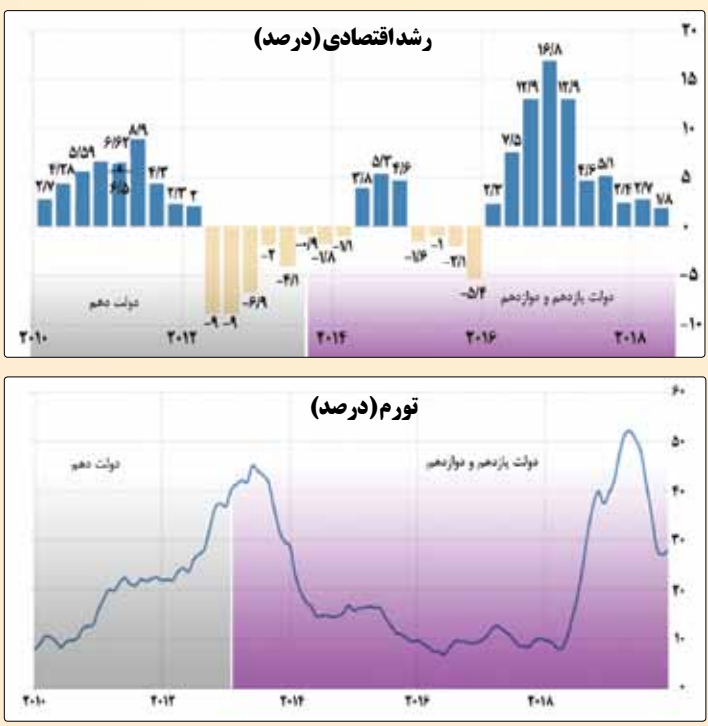
صنعت گردشگری هم از دیگر حوزه هایی است که تدبیر «بی خیالی» دولت شامل حالش شده است. سال ۹۲ و در اوج مناظرات تلویزیونی نامزدها، حسن روحانی با اشاره به ظرفیت های بخش گردشگری کشور برای ایجاد شغل و ثروت، از امکان جذب ۱۰ میلیون گردشگر و ایجاد ۴ میلیون شغل در این حوزه سخن گفت. با این حال آمارهای بین المللی نشان می دهد تعداد گردشگران ورودی به کشور در دولت تدبیر تقریباً ثابت مانده است. تنها اقدام دولت در ۶ سال ونیم گذشته، تبدیل سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به وزارتخانه بودا نبود. وزارتخانه گردشگری در حالی از سوی دولت تدبیر به عنوان عامل وقفه در رشد این صنعت عنوان شد که آمارهای رسمی خلاف این ادعا را ثابت می کند. آمارها نشان می دهد در دولت نهم و دهم تعداد گردشگران ورودی بدون وجود وزارتخانه گردشگری به حدود ۳ برابر افزایش یافت؛ به طوری که از یک میلیون و ۸۹۰ هزار گردشگر سال ۲۰۰۵ به ۴ میلیون و ۷۷۰ هزار گردشگر در سال ۲۰۱۳ رسید. با این حال تعداد گردشگران ورودی به کشور در آخرین گزارش های موجود، به ۴ میلیون و ۸۶۷ هزار نفر در سال ۲۰۱۷ رسیده است که معنای آن چیزی جز درجا زدن صنعت گردشگری در دولت روحانی نیست. در موضوع گردشگری یکی دیگر از وعده های حسن روحانی در سال ۹۲ بازگرداندن اعتبار به گذرنامه ایرانی بود. با این حال گزارش های مراجع بین المللی نشان می دهد رتبه اعتبار پاسپورت ایرانی که در سال ۹۲ در جایگاه ۸۶ جهان قرار داشت، با ۱۳ پله سقوط به جایگاه ۹۹ جهان در سال ۲۰۱۹ رسیده است.



### رشد نفتی

یکی از معیود گشایش هایی که با اجرای برجام برای اقتصاد ایران شکل گرفت، افزایش صادرات نفت خام بود. صادرات نفت خام یکبار به بار شد ۲ برابری به ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه در روز رسید و همین اتفاق موجب دورقمی شدن رشد اقتصادی شد. بر اساس محاسبات بانک مرکزی، رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۹۵ معادل ۱۲/۵ درصد بوده که یک رکورد در تاریخ اقتصاد ایران محسوب می شود. اما گزارش بانک مرکزی که مدتی بعد از اعلام رقم ۱۲/۵ درصد منتشر شد، نشان داد بخش عمده رشد اقتصادی در سال ۹۵ مربوط به رشد شدید صادرات نفت بوده و رشد غیرنفتی اقتصاد ایران در سال ۹۵ تنها ۳/۳ درصد بوده است. این نرخ از متوسط رشد اقتصادی ایران در ۳ دهه گذشته و حتی از رشد اقتصادی سال های ۸۹ و ۹۰ هم کمتر بوده است. ماجرای رشد بخش نفت از این قرار بود که تولید نفت خام به دلیل تحریم ها کاهش یافت و همین مساله باعث شد بخشی زیادی از ظرفیت تولید نفت خام خالی شود. بعد از اجرای برجام امکان بازگشت به سطوح قبلی صادرات فراهم شد و شرکت ملی نفت به سرعت از ظرفیت های موجود که در گذشته هم وجود داشته استفاده کرد و همین مساله باعث افزایش ۶/۱۶ درصدی رشد بخش نفت شد. در سال ۹۵ رشد بخش نفت ۶/۱۶ درصد، کشاورزی ۴/۲ درصد، صنایع و معادن ۲/۲ درصد و خدمات ۳/۶ درصد محاسبه شده است. حسن روحانی از سال ۹۶ تاکنون بارها و بارها رشد اقتصادی سال ۹۵ را بالاترین رشد اقتصادی در جهان عنوان کرده اما هیچ گاه به مخاطب صحبت های خود نگفته عمده این رشد از محل صادرات نفت بوده است. به همین دلیل بود که رشد اقتصادی سال ۹۶ از آن رقم نجومی به ۳/۷ درصد کاهش یافت و رشد بخش نفت هم منفی ۰/۹ درصد شد. رشد اقتصادی کشور در سال ۹۷ مجدداً منفی شد و به منفی ۴/۹ درصد با احتساب نفت و به ۲/۴ درصد بدون احتساب نفت رسید.

اگر رشد اقتصادی از سال ۹۲ تا ۹۷ را بر اساس روش محاسبه حساسی انجام دهیم، مجموع رشد اقتصادی کشور از سال ۹۲ تا پایان سال ۹۷ معادل ۹/۷ درصد بوده که متوسط سالانه آن معادل ۲ درصد است. این میزان رشد از متوسط رشد اقتصادی در همه دولت های بعد از دفاع مقدس کمتر است. یکی از پیامدهای جدی مدیریت اقتصادی ضعیف دولت تدبیر، جهش نرخ تورم در یکسال ونیم اخیر است. رشد نرخ تورم در این دوره به حدی رسید که با ورود به کانال ۴۰ درصدی، از حداکثر تورم ثبت شده در دور قبلی تحریم ها هم فراتر رفت و به رکورد دولت سازندگی در دهه ۷۰ نزدیک شد. این تورم ناشی از افت ارزش پول ملی پس از بازگشت تحریم های هسته ای بود؛ تحریم هایی که طبق وعده حسن روحانی قرار بود هیچ گاه بازنگردد.



### راه حل کوتاه مدت: افزایش ریزن های اقتصادی

اولین قدم در راه دیپلماسی فعالانه و ارتباط با دنیا، تربیت نیروی متخصص و کاربلد است. دفاع کرد که این روزها کمتر شاخص اقتصادی را می توان یافت که وضع خوبی داشته باشد. از همین رو «وطن امروز» با نشان دادن روند برخی از مهم ترین شاخص های اقتصادی، نتیجه سیاست نگاه به غرب در دولت روحانی را به تصویر کشیده است.

این افراد وظیفه دارند بکوشند به روش های گوناگون جای کالاها و محصولات ایرانی را در بازارهای خارجی باز کنند و ظرفیت های داخلی را برای سرمایه گذاری به خارجی ها معرفی کنند. می توان گفت اصلی ترین مأموریت دستگاه دیپلماسی در وضعیت کنونی، «بازسازی و بازاریابی» برای کالای ایرانی است.

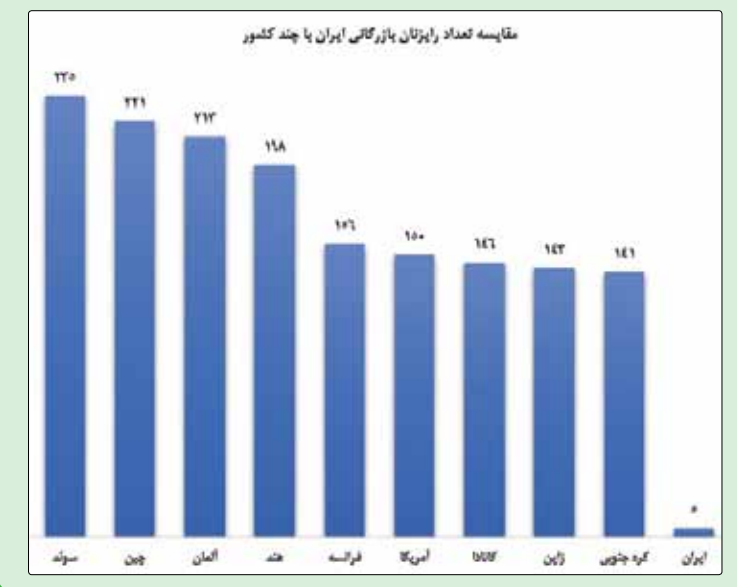
در ساختار فعلی سفارتخانه های جمهوری اسلامی ایران، وظیفه بازاریابی و بازرسازی بر عهده رایزنان بازرگانی قرار گرفته که از سوی سازمان توسعه تجارت در سفارتخانه ها مستقر می شوند. فارغ از شاخص های گزینش رایزنان بازرگانی و سازوکارهای ارزیابی عملکرد آنان، هم اکنون فقط در کشورهای عراق (۲ رایزن)، پاکستان، ارمنستان و ترکیه رایزن بازرگانی وجود دارد. این در حالی است که ترکیه فقط در عراق ۲۲ رایزن بازرگانی در تمام استان های این کشور دارد.

متأسفانه انجام این مأموریت در ساختار فعلی سفارتخانه های جمهوری اسلامی ایران، بسیار دشوار است، چرا که در سفارتخانه های ایران بار اصلی این مأموریت بر دوش رایزنان بازرگانی قرار گرفته که اغلب با مشکل نیروی انسانی و اعتبارات لازم برای انجام این کار روبه رو هستند.

به گفته سرپرست سابق سازمان توسعه تجارت، پس از نوسانات ارزی سال ۹۷، سازمان توسعه تجارت با کسری شدید بودجه رایزنان بازرگانی مواجه شد. این کسری بودجه چند ده میلیارد تومانی و مصادف شدن آن با پایان مأموریت کار ۳ ساله تعدادی از رایزنان بازرگانی، باعث شد فعالیت تعداد قابل توجهی از این رایزنان متوقف شود.

بر همین اساس در سال های اخیر با کاهش تعداد رایزنان بازرگانی، یکی از مهم ترین مأموریت های دستگاه دیپلماسی و سفارتخانه های جمهوری اسلامی تحت الشعاع قرار گرفته و عملاً بازاریابی و بازرسازی برای کالاها تولید داخل نیز چندان مورد توجه قرار نگرفته است. با توجه به اینکه رایزن بازرگانی وظیفه اصلی شکل دهی بازارهای جدید یا توسعه بازارهای فعلی را بر عهده دارد، ضروری است نسبت به اعزام رایزنان بیشتر به کشورهای مورد نظر، بویژه کشورهای همسایه اقدام شود.

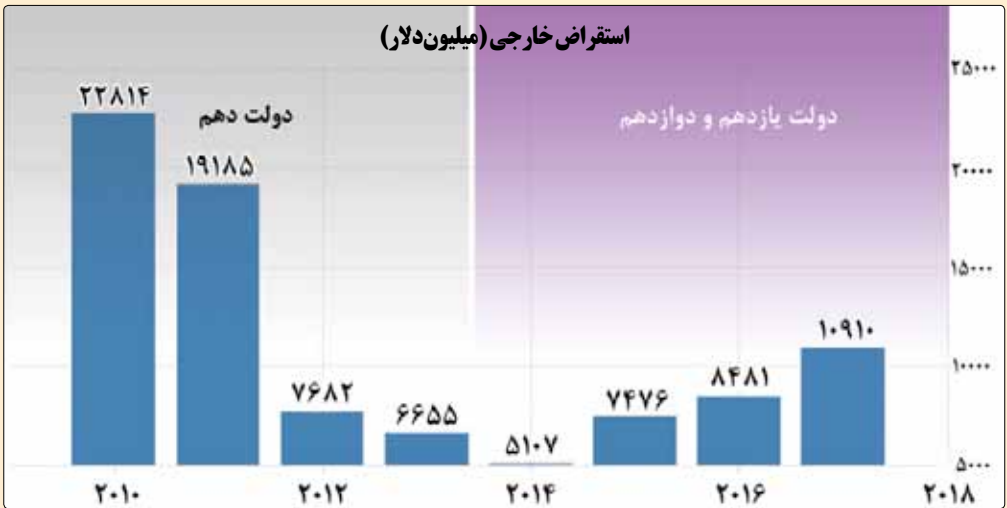
در نمودار زیر تعداد رایزنان بازرگانی ایران و چند کشور دیگر مقایسه شده است



### استقرار جانگانه

میزان استقرار خارجی پس از روی کار آمدن دولت روحانی بویژه پس از برجام بشدت افزایش یافت. میزان بدهی خارجی ایران بر اساس آمارهای بانک جهانی در سال ۲۰۱۷ به ۱۱ میلیارد دلار رسیده است که افزایش سرسام آوری داشته است. بدهی خارجی، بدهی های یک کشور به وام دهندگان خارجی است و می تواند شامل وام های دریافتی از بانک های خصوصی خارجی، دولت های دیگر و موسسه های مالی بین المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول باشد. در اصل اینکه استقرار خارجی از کشورها یا نهادهای دیگر یک نیاز ضروری در روابط مالی میان کشورهای مختلف دنیاست شکی نیست و چنین استقرارهایی در صورتی که به صورت اصولی دریافت شده و در راه درست و با بازدهی بالا هزینه شود و مدت زمان بازپرداخت آن نیز با توجه به شرایط و امکانات کشور، درست و

معقول باشد، می تواند به رشد و شکوفایی کشور منجر شود. به طور کلی هر چه میزان بدهی خارجی کشوری کمتر باشد، آثار آن به صورت مستقیم در عرصه های مختلف کشور از جمله اقتصاد بخوبی نمایان می شود. بدهی خارجی باید توسط ارز پرداخت شود. از طرفی میزان ذخایر ارزی هر کشور نسبت مستقیمی با رشد اقتصادی آن کشور، توانایی کشور برای تنظیم اقتصاد داخلی و اموری همچون کالاهای مورد نیاز مردم از جمله امور معیشتی و همچنین تنظیم بازار ارز که خود عاملی در جهت ثبات در اقتصاد داخلی است و حتی موضوعات مهم تری همچون مسائل امنیتی دارد. بنابراین در صورتی که کشوری بدهی خارجی کمتری داشته باشد، نیاز به استفاده از ذخایر ارزی برای تادیه بدهی ها کمتر می شود و خود این موضوع کشور را در برابر بسیاری از آسیب ها بیمه می کند.



تبعات استقرار  
 بدهی خارجی بالای کشورها و عدم توانایی دولت ها در بازپرداخت آن، موقعیت اعتباری این کشورها را در دنیا کاهش داده و مانع از سرمایه گذاری خارجی و حتی داخلی در بخش های مختلف آن کشورها می شود و خود این موضوع به صورت مستقیم منجر به رکود اقتصادی آن کشورها می شود، چرا که سرمایه گذاری خارجی و داخلی یک عامل مثبت در رشد اقتصادی کشورها تلقی می شود. مثال بارز چنین موضوعی در حال حاضر آمریکا است که بزرگترین کشور بدهکار دنیاست و این موضوع به کاهش موقعیت اعتباری آن منجر شده است و مثال دیگر آن نیز آیندهای است که گفته می شود در انتظار ترکیه است، چرا که بدهی نزدیک به ۲۵۰ میلیارد دلاری این کشور که در کوتاه مدت به روند رشد اقتصادی این کشور منجر شده است، در صورت عدم بازپرداخت در میان مدت و درازمدت منجر به توقف سرمایه گذاری خارجی در این کشور که رکن مهم رشد اقتصادی امروز آن است شده و باعث بروز مشکلات بزرگ اقتصادی در این کشور خواهد شد. بالا بودن بدهی خارجی کشورها و لزوم بازپرداخت آنها در سررسیدها، موجب ایجاد کسری بودجه ملی می شود که خود این موضوع به نوبه خود به صورت طبیعی موجب بروز چالش میان قوای مقننه و مجریه که به ترتیب مسؤلیت تنظیم، تصویب و نظارت بر بودجه و نیز هزینه کردن بودجه را بر عهده دارند شده و همین موضوع می تواند باعث بروز یک بحران پیچیده سیاسی در کشور شود. بالا بودن بدهی خارجی کشورها بویژه زمانی که طلبکار، کشور خاصی باشد و نه نهادها و سازمان های مالی بین المللی، ضرب امنیت ملی کشور را بشدت کاهش می دهد و قدرت جولان کشور را در عرصه روابط بین المللی در برابر کشور طلبکار بشدت کاهش می دهد همچون کشوری آمریکا که بیشترین بدهی را به کشور چین دارد و به همین دلیل کارشناسان این موضوع را بتدریج باعث پایین آمدن قدرت و تاثیرگذاری آمریکا نسبت به چین در عرصه روابط بین الملل و کاهش هژمونی آن عنوان می کنند.

### شفافیت در محاق

از جمله دلایل شکست دولت در جذب سرمایه خارجی و البته ثبات بخشی به اقتصاد کشور، بی توجهی به شفاف سازی و تسهیل فضای اقتصاد کشور است. آمارهای بین المللی نشان می دهد ایران در شاخص ادراک فساد (CPI) امتیاز ۲۸ از ۱۰۰ را به خود اختصاص داده که وضعیت بسیار ضعیفی است. این شرایط باعث نامنی و بی ثباتی اقتصاد کشور شده و از ورود سرمایه به کشور و همچنین هدایت نقدینگی به سمت تولید ممانعت می کند. همین شاخص همچنین نشان می دهد دولت تدبیر تقریباً هیچ اقدام اساسی در زمینه اصلاح ساختارهای اقتصادی و بهبود فضای اقتصادی کشور انجام نداده است.

